

حیات امامان اسماعیلی در آنجدان

(شاخه قاسم شاهی)

محمد حسن بیگی^۱

جواد گنجعلی^۲

چکیده

اسماعیلیان از فرّ ق مهم شیعه محسوب می‌شوند. آنان در تاریخ جهان اسلام از تأثیرگذارترین جریان‌ها و فرّ ق اسلامی بودند و موجب بسیاری از تحولات مهم شدند. اسماعیلیان در آستانه حمله مغول بذر فرهنگی و سیاسی فراوانی را پراکنده ساخته بودند اما در هنگام برداشت ثمره تلاش‌های خود، حمله مغول همه محاسبات را برهم زد و جریان تاریخ اسلام را به گونه‌ای دیگر رقم خورد. بعد از حمله مغول اسماعیلیان به سرعت در حاشیه قرار گرفتند و نقش آنان بشدت کاسته شد. با سقوط الموت بدست مغولان، امامان اسماعیلی دوره‌ای را در نواحی شمال غرب ایران می‌زیستند و سپس به شهر بابک در کرمان رفتند. اما سرانجام در آغاز قرن دهم هجری آنجدان در مرکز ایران را برای اقامت و پایگاه خود برگزیدند و افزون بر سه قرن در آنجا می‌زیستند. حضور آنان در آنجدان آغاز دوره جدیدی از تاریخ آنان محسوب می‌شد که بر تأثیرگذاری آنان در معادلات مختلف تاریخ ایران افزود. پژوهش حاضر در پی بررسی وضعیت امامان شیعه اسماعیلی در آنجدان است که به روش توصیفی - تحلیلی کوشیده است ضمن ارائه گزارشی از تاریخ آنان در این ناحیه، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که وضعیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی امامان در آنجدان به چه نحوی بوده است و آنان چه جایگاهی در عرصه تحولات تاریخ ایران داشته‌اند؟ که در پاسخ باید گفت؛ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که امامان عصر آنجدان گرچه در ابتدا در خفا و ستر می‌زیستند اما کم‌کم شرایط به گونه‌ای شد که هرچه زمان می‌گذشت تأثیر آنان در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی افزوده می‌شد و آنان به خوبی از موقعیت آنجدان برای بهبود وضعیت خود بهره بردند.

کلیدواژه‌ها: آنجدان، امامان اسماعیلی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی.

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک.

^۲ کارشناس تاریخ..

مقدمه

حضور امامان اسماعیلی در انجندان فصل مهمی از تاریخ این فرقه خصوصاً در دوره جدید محسوب می شود. آنان از حدود قرن دهم هجری وارد این ناحیه شدند و نزدیک به سه قرن در آنجا اقامت داشتند. امامان اسماعیلی با انتخاب این ناحیه تلاش نمودند تاریخ خود را بازسازی نمایند و تأثیرات منطقه ای و فرامنطقه ای خود و پیروانشان را توسعه دهند که در این زمینه موفقیت های مهمی را نیز به دست آوردند به طوری که به خوبی از رکود تاریخی سنگینی که بعد از حمله مغول بر آنها عارض شده بود رهائی یافتند. حضور در انجندان موجب انسجام دوباره مرکزیت اسماعیلیان شد و پیوند میان امام اسماعیلی و پیروان آنها را افزایش داد.

این پژوهش به شیوه ای توصیفی و تحلیلی در پی بررسی وضعیت امامان اسماعیلی در انجندان است. مسئله اصلی تحقیق، بررسی وضعیت امامان اسماعیلی در انجندان و تأثیرگذاری آنها در تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران در این دوره است.

پیدائی و دگرگونی اسماعیلیان

فرقه اسماعیلیه از جریان های مهم تشیع بوده است که امروزه بعد از امامیه (اثنی عشری) دارای بیشترین پیرو می باشد. آنان در طول تاریخ با نام های گوناگونی مانند اهل حق، اهل نزاریه، بابکیه، باطنیه، بورانیه، معلمیه، بوسعیدی، حشاشیون، محمد شاهیه، حواشب، مستعلیه، مسبعیه و ... شناخته می شوند.

درباره پیدایش اسماعیلیان نظر ثابت و غالبی وجود ندارد و از آغاز منابع نقل-های متعددی را ذکر کرده اند برای مثال شهرستانی از مشهورترین فرقه نگاران اسلامی درباره پیدایش آنها اینچنین می گوید: «اسماعیلیه پیروان اسماعیل بن جعفر^(ع) هستند که می گویند در زمان پدر وفات کرده است. اما مانند موسی که هارون را جانشین خود دانست و هارون زودتر وفات کرده، امام (ع) نیز اسماعیل را جانشین خود می دانست که زودتر وفات یافت، بعضی ها نیز

می‌گویند او نمرده است، بلکه به اصل تقیه رفتار می‌کند تا جان وی در امان باشد...» (شهرستانی، ۱۳۵۸: ۲۱۳). حبیبی نیز در مورد اعتقاد اسماعیلیان به زنده بودن اسماعیل پس از امام جعفر صادق (ع) اینچنین می‌گوید: «وفات اسماعیل در سال ۱۴۳ق. (۷۶۰ م.) است در حالی که اسماعیلیان معتقدند او را ۵ سال بعد در بازار بصره دیده‌اند» (حبیبی، ۱۳۸۰: ۸۷۳). شیروانی نیز براساس نظر اسماعیلیان معتقد است: «چون امام جعفر^(ع) اسماعیل را بعنوان جانشین انتخاب کرده و نص بر امامت به قهقری باز نمی‌گردد و جهل و نادانی و سهو از سوی امامان علی‌الخصوص امام جعفر صادق انکار ناپذیر است پس اسماعیل امام است اما چون پیش از پدر فوت نمود امامت به فرزند او می‌رسد البته عده‌ای نیز گویند امام جعفر صادق از روی تقیه اسماعیل را پنهان کرد و بصورت نمادین قباله‌ای نوشت که اسماعیل فوت کرده...» (شیروانی، بی تا: ۳۵).

به هر صورت پس از شهادت امام جعفر صادق به سال ۱۴۸ق. اختلافات شدیدی در امر جانشینی ایشان پدید آمد که در پی آن شش فرقه به نامهای ناووسیه، افطحیه، سمیطیه، موسویه، اسماعیلیه مبارکیه و اسماعیلیه خالصه شکل گرفت (نوبختی، ۱۳۵۳: ۶۷)، که دو گروه اخیر آنها در زمره اسماعیلیان قرار می‌گیرند و همه حجت آنها بر این اساس شکل گرفته است که اسماعیل یا نمرده است و یا در صورت مرگ امامت در خاندان و ذریه وی باقی خواهد ماند.

فرق اسماعیلیان

اولین فرقه‌های اسماعیلیان همانطور که گذشت دو فرقه خالصه و مبارکه بودند: اسماعیلیه خالصه کسانی بودند که مرگ اسماعیل در زمان امام جعفر (ع) را نمی‌پذیرفتند و با استناد به اصل نص و عدم پذیرش اصل بداء، برکنار شدن او از امامت را منکر می‌شوند و معتقد بودند تنها بدلیل خطراتی که جان او را تهدید می‌کرد، توسط پدرش پنهان شد اما روزی رجعت

خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد می سازد؛ این گروه را با نام رهبرش ابوالخطاب کوفی به نام خطابه نیز می شناختند (همانجا).

اما اسماعیلیه مبارکه کسانی بودند که فوت اسماعیل را پذیرفتند ولی پس از او فرزندش محمد بن اسماعیل را امام برحق می دانستند. این گروه را نیز به نام مبارک یکی از رهبران مبارکیه می خوانده اند (شهرستانی، ۱۳۵۸: ۱۴۹). امام این فرقه محمد بن اسماعیل بود که در حیات قرار داشت و گویا بدلیل فعالیت‌هایی بر ضد خلافت عباسی مورد تعقیب سیاسی قرار گرفت و برای اینکه از گزند خلفای عباسی در امان باشد سیاست تقیه و پنهان کاری در پیش گرفت اما در عین حال ارتباط خود با پیروانش را از طریق داعیان مختلف حفظ نمود. این دوره از تاریخ اسماعیلیان - که از اواخر قرن دوم تا اوایل قرن چهارم ادامه داشت - را دوران ستر و امامان این دوره را مستور می نامند (خضری، ۱۳۷۸: ۱۳۹). آنان پس از مدتی سرگردانی، دهکده سلمیه در شام را پایگاه دعوت خود ساختند و رهبری پیروان را از آنجا رصد نمودند. اهداف پنهانی آنها توسط داعیان و پیروان ایشان دنبال می شد و موفقیت‌های مهمی نیز در این عصر بدست آوردند تا اینکه سرانجام به تأسیس خلافت فاطمی در ۲۹۷ق. در شمال آفریقا منتهی شد.

اگرچه اختلافات درون فرقه‌ای میان آنها همچنان ادامه داشت و موجب انشعاب گروه‌های مختلفی از درون آنها می شد. خصوصاً جدی‌ترین انشقاق میان آنها در دوره پایانی این خلافت و بعد حکومت خلیفه مستنصر (مشهورترین خلیفه فاطمی) رقم خورد که بین طرفداران دو تن از پسرانش یعنی نزار و مستعلی اختلاف افتاد و این درگیری‌ها باعث بوجود آمدن دو فرقه جدید مستعلیه و نزاریه شد که خیلی زود از یکدیگر جدا شده و بنابر گفته ابن‌خلدون، طرفداران مستعلی در مصر و طرفداران نزار در ایران و سرزمین‌های شرقی خلافت سکنی گزیدند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۱۵/۴).

حضور نزاریان در ایران

حضور نزاریان در ایران با حیات حسن صباح پیوند دارد. او ظاهراً در خانواده ای امامی مذهب متولد شده بود (عابدی، ۱۳۹۳: ۵۶) اما همواره سر پر سودائی داشت و درگیر مسائل دینی بود و از آنجائی که دوران جوانی او با فعالیت گسترده داعیان فاطمی در ایران همزمان شد؛ وی تحت تأثیر آنان - پس از چندی مجادله کلامی با داعیان فاطمی بر سر مسئله امامت - به اسماعیلیه گروید (۴۶۶ق.). (جوینی، ۱۳۷۰: ۱۸۸/۳) و با تعالیم اسماعیلی آشنا شد و بعد پنج سال از طی مراحل مختلف آموزشی و دینی یعنی در سال ۴۶۹ق. از سوی عبدالملک عطاش (داعی اسماعیلی در اصفهان) مأمور شد تا برای دیدار مستنصر بالله خلیفه فاطمی، به مصر سفر کند (همدانی، ۱۳۵۶: ۹۹) اما وقتی به مصر رسید بین مستعلی و نزار بر سر جانشینی پدر (مستنصر) درگیری بود؛ و چون حسن از نزار حمایت کرد، مورد خشم و غضب افضل فرمانده سپاه فاطمی قرار گرفت.

افضل پدر همسر مستعلی و طرفدار خلافت وی بود. حسن مدتی بدست افضل زندانی شد و بعد از آن محکوم به اخراج از مصر گردید. در این میان قتل نزار بدست افضل، جریان زندگی حسن صباح را تغییر داد؛ چرا که از یک سوی حسن صباح در این زمان به مقام حجت اسماعیلی (حجت در سلسله مراتب روحانی اسماعیلیان پس از امام قرار دارد) رسید و از سوی دیگر هیچ کدام از فرزندان نزار خود را جانشین پدر معرفی نکرده بودند و این موقعیت سبب ارتقاء جایگاه حسن نزد اسماعیلیان شد و او خود را پاسدار رسالت اسماعیلی و مأمور شناساندن صفات و اخلاقیات امام معرفی نمود و بدین طریق ادعای رهبری اسماعیلیان را کرد (عابدی، ۱۳۹۳: ۵۷).

حسن صباح در راه بازگشت از مصر تصمیم گرفت به سمت قلعه الموت در کوه های قزوین برود اما در بین راه مورد تعقیب خواجه نظام الملک وزیر ملکشاه سلجوقی قرار گرفت ولی سرانجام گریخت و خودش را به الموت رسانید. او توانست نماینده سلجوقی را از الموت

براند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۱۹) و این آغاز فصل جدیدی در تاریخ اسماعیلیان و همچنین نقطه عطف فعالیت جدی نزاریان در ایران بود. دوران دعوت حسن صباح در الموت قزوین معاصر با خلیفه مقتدی (۴۶۸ - ۴۸۷ ق.) عباسی و همچنین سلطان ملکشاه سلجوقی بود (۴۶۵-۴۸۵ ق.). (بیات، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

حضور اسماعیلیان در الموت قزوین نزدیک دو قرن (از سال ۴۸۳ الی ۶۵۴ ق.) به طول انجامید و در آنجا هشت تن به قدرت رسیدند. آنان در الموت صلاهی قیامت سر دادند و این مهم توسط چهارمین رهبر آنان یعنی حسن بن محمد (ذکره الاسلام) (۵۵۷ - ۵۶۱ ق.) اعلام شد و ظاهراً از همین زمان بود که حسن (ذکره الاسلام) خود را نیز امام خواند و از رتبه داعی و حجت به مقام امامت ارتقا یافت. او بعد از این ادعا کرد که از نسل مستنصر فاطمی است و رسماً ادعای سیادت کرد (صابری، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۴۱).

صلاهی قیامت آنها در الموت مهمترین موضوع تاریخ دینی اسماعیلیان است و تقریباً همه دوره پایانی تاریخ آنان در الموت بدین موضوع و در چالش با آن سپری شد تا اینکه حملات شکننده مغولان آغاز شد. در زمان حمله مغول به ایران در سال ۶۱۶ ق. علاءالدین محمد رهبر اسماعیلیان ایران بود و توانست دلیرانه در برابر آنان ایستادگی کند. اما روی کار آمدن رکن‌الدین خورشاه جانشین وی موجب سستی در محور مقاومت اسماعیلیان شد. رکن‌الدین فردی سست‌عنصر و بی‌تدبیر بود و ایستادگی زیادی انجام نداد و تنها یک سال بعد از دستیابی به حکومت قلعه‌های اسماعیلی را به مغولان تسلیم ساخت. به فرمان هلاکو بیشتر قلاع اسماعیلیان نابود گردید (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۱۵) و در قهستان هفتاد قلعه اسماعیلیان ویران شد (رضایی، ۱۳۸۰: ۵۲). این حادثه موجب رکود سختی در تاریخ اسماعیلیان شد و برای مدت زمان زیادی آنان را حیران ساخت با این حال هرگز به معنای محو کامل آنان نبود، زیرا آنان همچنان در تاریخ ایران حضور داشتند و حتی در چندین دوره توانستند الموت را نیز مجدداً به تصرف خود درآورند اما در نگهداری آن ناتوان بودند (دفتری، ۱۳۸۶: ۵۱۰).

جدول شماره یک: امامان اسماعیلی الموت

ردیف	نام و نشان امام	مدت امامت
۱	حسن صباح	۴۸۳ - ۵۱۸
۲	کیا بزرگ امید	۵۱۸ - ۵۳۲
۳	محمد بن کیا بزرگ امید	۵۳۲ - ۵۵۷
۴	حسن بن محمد (ذکره الاسلام)	۵۵۷ - ۵۶۱
۵	محمد دوم بن حسن	۵۶۱ - ۶۰۷
۶	جلال الدین بن حسن	۶۰۷ - ۶۱۸
۷	علاءالدین محمد	۶۱۸ - ۶۵۳
۸	رکن الدین خورشاه	۶۵۳ - ۶۵۴

فعالیت اسماعیلیان بعد از سقوط الموت

شمس الدین محمد زردوز (۶۵۴ - ۷۱۰ ق.) اولین امام اسماعیلی بعد فتح الموت است. او در سال ۶۳۲ ق. در الموت متولد شده بود و در زمان حمله مغول با تمهیدات پدرش رکن الدین خورشاه از آنجا گریخت و به سوی آذربایجان رفت. به خاطر اقامت در شهر زردوز آذربایجان او را زردوزی می گویند. برخی نیز وی را همان شمس مرشد مولانا دانسته اند. ظاهراً از همان ابتدا به دلیل برخی ملاحظات تصمیم می گیرد مرکزیت و پایگاه دعوت اسماعیلی را به انجدان منتقل سازد (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۰۸)، اما امکان آن فراهم نمی شود.

حضور آنان در آذربایجان کوتاه است. شاید امامان از همان ابتدا در پی مکانی بهتر برای اقامت بودند. پایتخت مغولان در مراغه آذربایجان قرار داشت و این خطری جدی برای امامان اسماعیلی محسوب می شد. از این رو در زمان امامت اسلام شاه بن قاسم شاه نوه شمس الدین زردوزی پایگاه و محل اقامت امامان به شهر بابک در کرمان منتقل شد (دفتری، ۱۳۸۶: ۵۱۰).

جدی ترین مشکل اسماعیلیان در این عصر بحران جانشینی شمس الدین بود. چراکه دو تن از پسران او یعنی مؤمن شاه و قاسم شاه ادعای امامت کردند و اسماعیلیان به دو شعبه تقسیم شدند. شعبه مؤمن شاهی تا حدود سال ۹۵۰ ق. در زمان امامت شاه طاهر دوام یافت اما

در پی قتل او بدست طهماسب صفوی، کسی به امامت این گروه انتخاب نشد و آنان نیز امامت شعبه قاسم شاهی پیوستند و شعبه قاسم شاهی شاخه اصلی اسماعیلیان هستند که تا امروز نیز استمرار داشته است.

بعد از سقوط الموت تا زمان اقامت امامان اسماعیلی در آنچدان هفت تن به امامت رسیدند که در جدول زیر به ترتیب آنان و برخی رخداد‌های مهم عصر ایشان پرداخته شده است.

جدول شماره دو: امامان اسماعیلی از سقوط الموت تا زمان اقامت در آنچدان

ردیف	نام و نشان امامان	دوره امامت	برخی رخداد‌های مهم
۱	شمس‌الدین زردوز	۶۵۴ - ۷۱۰	فرار از الموت به آذربایجان
۲	قاسم شاه	۷۱۰ - ۷۷۱	اعزام دوباره داعیان به مناطق مختلف
۳	اسلام شاه	۷۷۱ - ۸۲۸	انتقال پایگاه به شهر بابک کرمان
۴	محمد بن اسلام شاه	۸۲۸ - ۸۶۸	—
۵	علی بن محمد	۸۶۸ - ۸۸۰	—
۶	عبدالسلام شاه	۸۸۰ - ۸۹۹	انتقال غیر رسمی پایگاه به آنچدان و درگذشت وی در آنچدان بود
۷	غریب میرزا بن عبدالسلام (مستنصر سوم)	۸۹۹ - ۹۰۲	انتقال رسمی قصر و پایگاه به آنچدان

حضور امامان اسماعیلی در آنچدان

روستای آنچدان در ۳۷ کیلومتری شرق اراک و با همین فاصله از غرب محلات قرار گرفته است. آنچدان از روستاهای دهستان مشک‌آباد بخش مرکزی شهرستان اراک، مرکز استان مرکزی ایران است. این روستا در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد که «کوه چشمه» و «کوه برف شاه» در اطراف آن قرار دارد و غارهای کوچک و بزرگ فراوانی در نزدیکی آن وجود دارد. ارتفاع آنچدان از سطح دریا دو هزار متر است و منطقه‌ای خوش آب و هوا محسوب می‌شود. آنچدان معرب واژه انگدان، و نام گیاهی است که ماده انگرود یا آنغوزه را از آن می‌گیرند این گیاه در اطراف روستای آنچدان به فراوانی می‌روید و بدین سبب این روستا را بدین نام خوانده‌اند.

امامان اسماعیلی بعد از مدتی اقامت در نواحی کرمان به دلایلی از جمله فشار حاکمان سنی مذهب در شهر های محل سکونتشان، همچنین ناامنی در سراسر ایران به دلیل هجوم و تاخت و تاز ترکمانان تصمیم گرفتند پایگاه خود را تغییر دهند (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۱۳) و گویا پس از بررسی ها فراوان آنجدان را بدین منظور برگزیدند. عبدالسلام و قریب میرزا اولین امامانی بودند که بدین کار مبادرت کردند. محلی امن و با موقعیت جغرافیایی مناسب که از آنجا دسترسی به سایر شهرها آسان بود و از نظر معیشتی نیز نیاز آنان را برطرف می ساخت. این دهکده موقعیت کوهستانی و خوش آب و هوایی داشت و به شهرهای شیعه نشین قم و کاشان نیز نزدیک بود. انتخاب آنجدان دور جدیدی را در تاریخ اسماعیلیان رقم زد که از آن به «دوره احیای آنجدان» یاد می کنند (دفتری، ۱۳۸۲: ۲۰)

در آنجدان سیزده امام اسماعیلی می زیستند که در ترتیب کلی امامان اسماعیلی از امام ۳۴م تا ۴۶م می باشند.

جدول شماره سه: امامان شاخه قاسم شاهی آنجدان

ردیف	نام و نشان امامان	دوره امامت	برخی رخداد های مهم
۱	غریب میرزا بن عبدالسلام (مستنصر سوم)	۸۹۹ - ۹۰۲	انتقال قصر و پایگاه به آنجدان
۲	ابوذر علی بن قریب	۹۰۲ - ۹۱۵	ترک تقیه و پایان نسبی عصر ستر
۳	مراد میرزا بن ابوذر علی	۹۱۵ - ۹۲۰	اولین امامی که در آنجدان متولد شد
۴	ذوالفقار علی بن مرادمیرزا	۹۲۰ - ۹۳۲	_____
۵	نورالدین علی بن ذوالفقار	۹۳۲ - ۹۵۷	_____
۶	خلیل الله بن نورالدین	۹۵۷ - ۹۹۴	_____
۷	امام علی بن خلیل (نزار دوم)	۹۹۴ - ۱۰۳۸	مدفن در کهک محلات
۸	سید علی بن نزار	۱۰۳۸ - ۱۰۷۱	مناسبات نیکو با شاه عباس دوم صفوی
۹	حسن بن علی (سید حسن بیگ)	۱۰۷۱ - ۱۱۰۵	ادامه رابطه نیکو با شاه عباس دوم و متقاعد ساختن او به استقلال داخلی اسماعیلیان

۱۰	قاسم علی شاه	۱۱۰۵ - ۱۱۴۲	حکومت کرمان از سوی شاه سلطان حسین صفوی به وی واگذار شد و طهماسب دوم با دختر وی ازدواج کرد
۱۱	علی بن قاسم	۱۱۹۲ - ۱۱۹۲	ادامه امارت در کرمان و دفن در نجف
۱۲	خلیل الله شاه دوم	۱۱۹۲ - ۱۲۳۲	حکومت کرمان از سوی قاجارها به وی واگذار شد و یزد نیز بدان افزوده شد و او در یزد به قتل رسید.
۱۳	حسنعلی شاه (آقا خان اول)	۱۲۳۲ - ۱۲۹۸	آخرین امام حاضر در ایران

فعالیت های سیاسی امام اسماعیلی در دوره آنجدان عصر صفوی

اقامت امامان اسماعیلی در آنجدان با روی کار آمدن دولت قدرتمند و شیعه مذهب صفویان همزمان گردید. صفویان حضور هیچ نوع رقیب مذهبی را در عرصه تاریخ ایران نمی پسندیدند از این جهت و به طور کلی عرصه بر رقبای مذهبی آنان خصوصاً امامان اسماعیلی تنگ گردید چرا که امامان اسماعیلی از یک سوی داعیه رهبری مذهبی داشتند و این در برابر اندیشه مرید و مرشدی صفویان قرار می گرفت و از سوی دیگر آنان فرقه ای شیعه محسوب می شدند و برای سیاست مذهبی صفویان بسیار خطرناک بودند چرا که صفویان تشیع امامیه را مذهب رسمی حکومت خود ساختند و اسماعیلیان از این جهت نیز رقیبی مهم برای صفویان بودند. از این رو فشار بر امامان اسماعیلی بیشتر شد و این موجب شد تا در ابتدا آنان بر تقیه و ستر بیافزایند.

پنهان کاری در اصول دینی و عدم افشاء مبانی مذهبی روشی بود که امامان اسماعیلی و پیروان ایشان در پیش گرفتند. آنان حتی آشکارا به اظهار ارادت نسبت به امام علی (ع) و امام حسین (ع) می پرداختند تا از حساسیت ها بکاهند. با اینحال فشارها همچنان ادامه داشت موجب شد شاه عباس مشهور به شاه غریب الله در عین تقیه کامل به دلیل حسد و آزار دشمنان

مجبور شود دوره ای به دور از وطن و در غربت زندگی کند و از این رو او را غریب میرزا لقب دادند (حسینی، ۱۳۴۱: ۴۳).

امامان اسماعیلی با مشاهده این وضعیت تغییر سیاست داده و زیرکانه تلاش کردند با نزدیک ساختن خود به دربار صفویه و انجام ازدواج های سیاسی با خاندان سلطنتی از فشارها بر خود و پیروانشان بکاهند که این روش مفید واقع شد و در راستای آن ابوذر علی امام اسماعیلی (۹۰۲ - ۹۱۵ق.) موفق به ازدواج با صابره خاتون دختر طهماسب اول صفوی شد و نواده او شاه خلیل (۹۵۷ - ۹۹۴ق) نیز با مریم سلطان بیگم دختر شاه اسماعیلی دوم ازدواج کند. همانطور طهماسب دوم صفوی نیز طی ازدواجی سیاسی، شرمین دختر امام قاسمعلی را به عقد خود درآورد (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۲۱). در پی این ازدواج ها وضعیت سیاسی اسماعیلیان بهبود محسوسی یافت (غالب، ۱۹۶۴: ۴۹۱). ظاهراً صفویان نیز با تن دادن به چنین ازدواج هایی در پی بهره مندی از نفوذ اسماعیلیان برای مقابله با اهل سنت بودند (عابدی، ۱۳۹۳: ۷۸). نکته ای که وجود دارد آن است که این ازدواج ها عمدتاً زمانی اتفاق افتاد که هنوز اهل سنت در ایران قدرتمند بودند و امامان اسماعیلی به عنوان نیروی مؤثر شیعه می توانستند در برابر اهل سنت در کنار صفویان باشند.

به هر تقدیر وضعیت سیاسی اسماعیلیان در عصر صفوی روندی رو بهبود داشت. آنان از فرصت های به وجود آمده حداکثر بهره را می بردند؛ به طوری که در زمان سقوط صفویه در پی حمله افغان ها و عصر فترت این دولت یعنی زمان سلطنت شاه طهماسب دوم (۱۱۰۸ - ۱۱۱۱ق.) و شاه عباس سوم (۱۱۱۱ - ۱۱۱۴ق.) و نیابت سلطنت نادرقلی افشار، امام شاه قاسمعلی (۱۱۰۵ - ۱۱۴۲ق.) توانست به حکومت کرمان دست یابد (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۲۲) و از فرقه ای کاملاً منزوی و در حاشیه آغاز عصر صفوی جریانی تأثیر گذار در مبادلات سیاسی ایران معرفی نماید. اکنون امام اسماعیلی به صورت پیر یا مرشد صوفی در دنیای خارج نمودار گردید و پیروانش نیز به صورت مریدان او درآمدند و این امر سبب شد که اسماعیلیان ایران

بتوانند از تعقیب و آزار در محیطی خصمانه مصون بمانند (دفتری، ۱۳۸۲: ۲۰). گویا امامان اسماعیلی در این عصر مرکزیت دعوت خود را نیز به صورت متحرک بین نواحی مرکزی ایران (آنجدان و کَهک) و کرمان تغییر می دادند. دلایل اصلی این جابه جایی تخریب آنجدان بدست افغان ها بود زیرا آسیب فراوانی توسط آنها به آنجا رسیده بود و قلعه نورآباد آنجدان که متعلق به امام اسماعیلی بود کاملاً تخریب شده بود و تعداد زیادی از اسماعیلیان و مردم آنجا توسط افغان ها قتل عام شده بودند. بعلاوه آنکه در این زمان کرمان از موقعیت جغرافیای مناسب تری برای امام اسماعیلی برخوردار بود زیرا هر ساله هدایای فراوانی از سوی هندوستان و نواحی شرقی ایران (جایی که بیشترین طرفدارن اسماعیلی در آنجا بود) برای امام ارسال می گردید؛ اما بسیاری از آن اموال در بین راه غارت می شد و مورد هجوم راهزنان قرار می گرفت و برخی از اسماعیلیان نیز به دلیل نا امنی مسیر جانشان را از دست می دادند. همانطور که به واسطه طول مسیر نیز مجبور بودند مبلغ زیادی را به عنوان مالیات گمرکی به کلانتران و کدخدایان محلی بپردازند (پری، ۱۳۶۸: ۱۹۶-۱۹۸). این وضعیت می طلبد تا امامان تدبیر درستی را برای رفع مشکلات بیاندهند. از این رو جابه جایی پایگاه - حتی اگر نه برای همیشه - به نواحی شرقی ایران می توانست مفید باشد و امامان را به پیروانشان نزدیک سازد. آنان در کرمان نیز مانند آنجدان قلعه ای با دیوارهای بلند و مستحکم بنا نهادند تا دژی در برابر حوادث باشد (الگار، ۱۳۷۰: ۱۵ و ۱۶؛ دهگان، ۱۳۴۵: ۴۶).

وضعیت اسماعیلیان در دوره افشاریه و زندیه

روی کار آمدن نادرشاه موجب شکل گیری تحولاتی زودگذر در تاریخ ایران شد. حکومت کوتاه نادر گرچه با پیروزی های مهمی برای ایران همراه بود اما آشوب و ناپایداری بسیاری نیز پدیدار ساخت. مشهورترین فتح نادر در هندوستان بود که ضربه مهلکی به سلاطین مسلمان آنجا وارد ساخت. او در این حمله ابوالحسن شاه - امام اسماعیلی - نیز که کودکی بیش نبود را

به صورت گروگان با خود برد تا از این طریق خیالش از جانب اسماعیلیه و شورش احتمالی آنها آسوده باشد (الگار، ۱۳۷۰: ۱۵ و ۱۶). در پایان سلطنت نادرشاه افشار و فترت پس از قتل او نیز آشوب دیگری سراسر ایران را فرا گرفت و تحت تأثیر آن تمام اموال ارثی و بدست آورده امامان اسماعیلی به غارت رفت و اگر پیروان مالی را به عنوان خمس برای آنها می فرستادند در این آشوب ها در میانه راهها به غارت رفت. بخشی که نیز مصون ماند توسط کلاترها و کدخدایان محلی مصادره شد (پری، ۱۳۶۸: ۱۹۶-۱۹۸). عصر افشاریه در کل دوره پراشوبی برای تاریخ اسماعیلیان و امام اسماعیلی بود.

با روی کار آمدن زندیه وضعیت برای اسماعیلیان بهبود یافت. شاه ابوالحسن علی امام اسماعیلی توانست با دختر فتحعلی خان قاجار ازدواج کرده و چون خواهر زن او، همسر کریم خان زند بود؛ مورد لطف کریم خان قرار گرفت و رابطه خوبی بین این دو برقرار شد. کریم خان ابتدا وی را به مقام بیگلربیگی برگزید و با مرگ میرزا حسین خان حاکم کرمان، فرمان حکومت آنجا را به نام امام اسماعیلی صادر کرد که تا پایان عمر وکیل الرعایا ادامه یافت.

شاه ابوالحسن علی در دوران حکومت خود بر کرمان این ایالت را از تهاجم افغانان، بلوچان، اعراب فارس، قشقایی ها و سایر مهاجرین حفظ کرد. او با توجه به درآمد خصوصی خود که هر ساله از هند و دیگر نواحی وارد می شد توانست بسیاری از امور را سر و سامان دهد و راه اختلاس و اجحاف عوامل حکومتی را مسدود نماید. در رابطه با درآمد خصوصی وی در تاریخ کرمان آمده: «تمامی درآمد هنگفت سالیانه اش که پیروانش تسلیم وی می کردند بیش از بیست هزار تومان بود بعلاوه درآمدهای دولتی، به بزرگ و کوچک مردم کرمان انفاق می کرد. از این روی در نزد اهالی آن دیار بسیار محبوب بود و از سوی آنان آقا خطاب می شد» (وزیری، ۱۳۶۵: ۷۰۰).

همانطور که از گفته بالا بر می آید، او با وجود اختلاف مذهبی که با مردم کرمان داشت، توانست جایگاهی مناسبی را در بین آنها بیابد. از جزئیات حکومت وی چیزی زیادی ضبط

نشده است. اما احتمالاً این ایالت را به همراهی خوانین و حکام محلی اداره می‌کرده است و نفوذ معنوی او برای جلوگیری از بیدادگری‌ها جایگزین قدرت نظامی سابق شده باشد و حکومت را با راهنمایی بوروکرات‌ها که در مسائل حکومتی مشاورتش را عهددار بودند، در شرایطی مساعد اداره می‌کرده است (پری، ۱۳۶۸: ۱۹۸).

وضعیت اسماعیلیان در دوره قاجار

در سال ۱۲۰۴ق. و در آستانه سقوط زندیه لطفعلی خان آخرین شاه زند در رقابت برابری با آغامحمدخان قاجار قرار گرفت و چون بیشتر نواحی شمالی را در برابر قاجارها از دست داده بود، سعی می‌کرد در نواحی جنوبی برای خود پایگاه‌هایی ایجاد نماید و در همین راستا بود که به سمت کرمان که تحت سلطه امام اسماعیلی بود نیرو کشید. لشکرکشی آغامحمدخان حکومت ابوالحسن خان (امام اسماعیلی) را با خطری جدی مواجه کرد. سید ابوالحسن خان وقتی می‌دید برای زندیان که تنها شیراز را در دست داشتند، رمقی نمانده، از پذیرش وی به شهر جلوگیری کرد. احتمالاً فرار از خشم خان قاجار نیز در این عمل مؤثر بود. در مقابل لطفعلی خان کرمان و شهر بابک را در محاصره گرفت (الگار، ۱۳۷۰: ۱۶ و ۱۷) و چون در فتح کرمان ناتوان ماند تنها به محاصره شهر بابک ادامه داد. این شهر گرچه کوچک بود اما دارای قلعه کوچک و محکمی بود و حکومت آن بدست میرزا صادق یکی از بستگان امام اسماعیلی قرار داشت و با وجود کوچکی، به دلیل محکمی برج و مجهز بودن قلعه آن به مهمات و آذوقه و همچنین وجود مریدان اسماعیلی از ایل عرب خراسانی و عطاءاللهی در برابر لطفعلی خان ایستادگی سختی انجام داد و مانع سقوط آن می‌شد (تارمی، ۱۳۸۱: ۱۷۳).

با طولانی شدن محاصره ابوالحسن خان درصدد منصرف کردن لطفعلی خان زند برآمد و به همراه شیخ الاسلام و قاضی شهر برای لطفعلی خان پیغام فرستاد و درخواست کرد بیست هزار تومان به رسم پیشکشی بگیرد و محاصره شهر را رها کند و تسخیر آن را به زمانی دیگر

موکول نماید (موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۶ و ۳۲۷) اما خان زند در خواست آنها را نپذیرفت و خواستار آمدن ابوالحسن خان به نزد خود گردید که نتیجه ای در پی نداشت و محاصره ادامه پیدا کرد ولی به دلیل کمبود آذوقه و سردی هوا لطفعلی خان با مشکلات جدی مواجه گردید و خود آن را ترک کرد.

ابوالحسن در سال ۱۲۰۶ق. مُرد و در مکانی که امروزه به مشتاقیه مشهور است، دفن گردید. بعد از وی مردم کرمان پسرعمو یا پسرعمه وی میرزا صادق خان را به حکومت کرمان برگزیدند. وی به فرقه نعمت الهی گرویده بود و به همین دلیل خیلی نزد بین مردم محبوب نبود. از این رو حکومتش دوام زیادی نیاورد و در زمانی که در فرار و تهاجم بعدی لطفعلی خان به کرمان گریخت این شهر در دست اسماعیلیان نبود. با این وجود گروهی از اعراب خراسانی و ایل عطاءالهی که از مریدان امام اسماعیلی بودند و همچنین میرزا محمد باقر برادر ابوالحسن شاه به لطفعلی خان پیوستند و پیروان خود را در اختیار او قرار دادند. این حرکات باعث خشم خان قاجار و کور کردن محمدباقر بدست او شد و قتل نجفقلی خان و چند نفر دیگر از بزرگان ایل خراسانی و عطاءالهی را در پی داشت. همچنین آغامحمدخان قاجار دستور داد تا هفتصد خانوار از اسماعیلیان کرمان را به ری تبعید کنند که آثار آن اکنون نیز موجود است. امروزه علیرغم سابقه زیاد اسماعیلیان در کرمان جمعیت حاضر آنها در این شهر بسیار اندک است. بر طبق آمار آنها سی و یک خانوار یا صد و چهل و پنج نفر برآورد شده اند (الگار، ۱۳۷۰: ۱۶ و ۱۷؛ تارمی، ۱۳۸۱: ۱۷۸ و ۱۷۷).

با مرگ سید ابوالحسن خان خانواده وی مدتی را در کرمان ماندند. اما علیرغم کشتار مردم کرمان و بدرفتاری نسبت به اسماعیلیان توسط قاجار، خان قاجار دستور داد به پاس خدمات سید ابوالحسن خان و مقاومت وی در مقابل لطفعلی خان زند و عدم تسلیم کرمان، زن و فرزند وی را با احترام به انجدان و کهک منتقل سازند و حوادث تغییر سلطنت از زندیه به قاجار موجب تزلزل جایگاه امام اسماعیلی نشد. زیرا چندی بعد فتحعلی شاه قاجار مجدداً حکومت

کرمان را به شاه خلیل الله امام اسماعیلی واگذار کرد و او جانشین پدرش در این جایگاه شد. شاه قاجار حتی حکومت یزد را نیز بدان ضمیمه ساخت. البته این حکومت برای امام اسماعیلی عاقبت نکویی نداشت. زیرا اندکی بعد در پی نزاعی بین مردم و مأموران حکومتی امام اسماعیلی در یزد به قتل رسید (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۲۳).

مرگ شاه خلیل در یزد و تظلم خواهی بیوه او نزد فتحعلی شاه قاجار موجب تفقد شاهانه نسبت به فرزند و جانشین شاه خلیل یعنی حسنعلی شاه شد و شاه قاجار به منظور دلجوئی از امام اسماعیلی دختر خود سروجهان ملقب به شمس الدوله را به عقد وی درآورد و بدین افتخار حسنعلی شاه را «آقاخان» ملقب ساختند و زین پس پیروان وی نیز به آقاخانیه مشهور شدند. او به مقام بلندی در دربار قاجار دست یافت و از سوی فتحعلی شاه به حکومت محلات و قم منصوب گردید و کرمان نیز به رسم حکومت سنتی اجدادش در آنجا به حوزه نفوذ او افزوده شد.

مرگ فتحعلی شاه و روی کار آمدن محمدشاه و صف بندی های جدید بعد از عزل قائم مقام فراهانی و صدارت میرزا آقاسی رویه را تغییر داد. زیرا آقاسی از بزرگان فرقه نعمت‌اللهی بود که با حاج زین العابدین شیروانی رقابت داشت و آقاخان را از حامیان وی می‌پنداشت. وی با فریفتن فرستاده آقاخان که نزد شاه آمده بود توانست ذهن محمد شاه را نسبت به رفتار آقاخان، بدبین کرده و موجب فشار دربار بر او شد و امام را وادار به شورش سازد (تارمی، ۱۳۸۲: ۷۲). حسنعلی در پی این فشارها در ارگ بم پناه گرفت و قشونی از سوی دربار مأمور سرکوب او شد اما چون خودش را تسلیم کرد؛ مورد عفو شاهانه قرار گرفت. با این حال حساسیت ها نسبت به او ادامه یافت تا اینکه پس از چندی تصمیم به ترک ایران گرفت و از نواحی شرقی برای همیشه ایران را به سوی هندوستان ترک کرد. (فرقانی، ۱۳۸۵: ۴۲۳ - ۴۲۴).

بدین صورت تاریخ سیاسی امامان اسماعیلی برای همیشه در ایران به اتمام رسید.

فعالیت های فرهنگی امامان اسماعیلی آنجدان

مهم ترین وجه فعالیت های اسماعیلیان در طول تاریخ اسلام تلاش های فرهنگی آنان بوده است. به طوری که یکی از اسامی این فرقه تعلیمیه می باشد و این نشان از اصل تعلیم و تعلم نزد آنان دارد. بعلاوه آنکه بسیاری از موفقیت های سیاسی آنان - مانند تأسیس خلافت فاطمی - نیز نتیجه فعالیت های فرهنگی آنان بوده است. آنان با کشت بذره های فرهنگی در نواحی مختلف سرانجام می توانستند بهره برداری های سیاسی نیز داشته باشند. این موضوع در تقیه آغازین آنان در دوره صفویه که ذکر آن گذشت، مشهود است. آنان با این روش توانستند اعتماد دربار صفوی را جلب کرده و سپس با ازدواج های سیاسی با این خاندان جایگاه اسماعیلیان را بهبود بخشند.

امامان اسماعیلی از فرصت های بدست آمده حداکثر استفاده را می بردند. به طور کلی مهم ترین فعالیت های فرهنگی آنان را می توان به شکل زیر دسته بندی کرد:

الف) نزدیک ساختن خود به جریان های مختلف اسلامی: یکی از مهم ترین فعالیت های فرهنگی اسماعیلیان در عصر انجدان نزدیک ساختن خود به جریان های اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام بود. یکی از این جریان ها فتیان بودند که شاه عبد السلام امام اسماعیلی این پیوند را برقرار ساخت. او به گروه فتوت (جوانمردان) متمایل بود و شعارهای آنان را سرلوحه کار خود و پیروانش قرار داد و در این راستا کتاب پندیات جوانمردی را نیز نگاشت و در آنجا پیروان خود را به نیکو سخن گفتن، طرفداری از حق، جوانمردی و گرفتن دست افتادگان توصیه کرده است (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۹-۲۸). او با این کار قصد داشت تا فتیان را در سلک مذهب اسماعیلی در آورد.

اسماعیلیان در این عصر رفتار مشابه نیز با درویش داشتند. و تاریخ آنان در دوره اخیر با جریان های صوفیانه ایران عجین شده بود. شاه غریب اولین امام اسماعیلی بود که روش درویش را تقلید کرد (عابدی، ۱۳۹۳: ۷۳). این موضوع در زمان شاه نزار به صورت رسمی

تقویت شد. او با طریقه درویش نعمت الهی ارتباط نزدیکی برقرار ساخت (ایوانف، ۱۹۳۸: ۱۴۸) و دو تن از طرفداران او به نام های نورعلیشاه و میرزا احمد کرمانی به ترویج آن در کرمان پرداختند. ابوالحسن خان امام اسماعیلی نیز که برای دوره طولانی حاکم کرمان بود به طور پوشیده از آنها حمایت می کرد اما چون مردم خیلی نسبت به این فرق صوفیه روی خوش نداشتند (تارمی، ۱۳۸۲: ۶۱)، امام نیز با روش تقیه خود را به آنها نزدیک می ساخت. هدف آنها از این کار ترویج مذهب اسماعیلی در نزد پیروان بی شمار طریقه نعمت الهی بود. همانطور که حمایت آنها می توانست جایگاه اسماعیلیان را نیز تقویت نماید.

ب) تأسیس حوزه علمی: اسماعیلیان بعد از فتح الموت هیچ مرکز فرهنگی رسمی نداشتند و تأسیس حوزه علمی در آنجداں جایگاه مهمی در فعالیت فرهنگی امامان در این عصر داشت. این مهم بدست شاه عبدالسلام صورت گرفت. بطور کلی عصر وی یکی از پربارترین دوران فرهنگی تاریخ اسماعیلیان بود. او فردی دانشمند، شاعر و دوستدار علم بود و به پیروی از حوزه های شیعی که در دوره صفوی در ایران شکل گرفته بود حوزه ای را آنجداں بنا نهاد و در آن به تدریس و ترویج آثار و عقاید اسماعیلیان پرداخت (غالب، ۱۹۶۴: ۳۳۵).

ج) پناه دادن به ملاصدرا: پناهندگی ملاصدرا دانشمند و فیلسوف مشهور عصر پایانی صفوی نزد امام اسماعیلی یکی دیگر از رخدادهای مهم فرهنگی امامان اسماعیلی در آنجداں بود. ملاصدرا شیرازی که به دلیل توجه به فلسفه از سوی تعدادی از علمای عصر صفوی ملحد خوانده شده بود به شاه نزار امام اسماعیلی پناه برد و امام نیز مقدم او را گرامی داشت (عابدی، ۱۳۹۳: ۸۷).

د) ساختن مقابر و بناهای فرهنگی: تأسیس بناهای فرهنگی نیز از فعالیت های امامان در عصر آنجداں بود. دو بنای آنان امروزه در دهکده آنجداں مشهور و باقی می باشد. مقبره شاه قلندر مهمترین ابنیه اسماعیلیان در آنجداں است که آنجا آرامگاه شاه مستنصر بالله مشهور به شاه قلندر قرار دارد و این بنا به فرمان شاه عبدالسلام در حدود سال ۸۸۰ الی ۸۹۹ق. یعنی در بدو



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
جامع علوم انساني



اضلاع شمالی و جنوبی دارد. گنبد بقعه یک پوش و دارای تزئینات رسمی‌بندی با گچ در ایوان ورودی است. مصالح به کار رفته در این بنا از آجر، سنگ و گچ و بدنه داخلی آن بدون هیچ گونه تزئینات معماری است. در و ضریح چوبی این بقعه در دوره صفوی ساخته شده و تکه‌هایی از آن‌ها باقی است. براساس ماده تاریخ موجود، ساخت در و ضریح بقعه شاه غریب در سده ۱۰ق. صورت گرفته است. در آخرین تحقیق میدانی که انجام شده است اثری از درهای ورودی و تکه‌هایی از ضریح چوبی و مرقد وجود ندارد.

فعالیت های اقتصادی امامان اسماعیلی آنجدان

امامان اسماعیلی همواره از وضعیت مالی مناسبی برخوردار بودند چرا که خمس یکی از اصول مذهبی آنان بوده است که پیروان اسماعیلی تقید بسیاری بدان داشتند و از این مسیر هر ساله حجم زیادی از پرداخت های مذهبی به همراه هدایا و نذورات به سوی امام سرازیر می شد. در مذهب اسماعیلی پرداخت خمس و دیدار امام با برداشت های باطنی آنان از اصول و فروع دین می توانست از انجام برخی امور مذهبی مانند فریضه حج هم مهم تر باشد (صابری، ۱۳۸۱: ۱۵۳/۲).

عبدالسلام اولین امام آنجدان بود که مقرر کرد پیروان هر ساله خمس خود را پس از آنکه در پی آشوب های داخلی منسوخ شده بود؛ به امام تقدیم نمایند (دهگان، ۱۳۴۵: ۲۸ - ۲۹)، که البته او به جای خمس خواست تا عشریه (یک دهم) اموال خود را ارسال نمایند. با این حال این رسم بعد از مدتی به دلیل عدم انسجام موجود بین پیروان و امام اسماعیلی مجدداً منسوخ گردید؛ اما دوباره در زمان شاه مراد میرزا احیا شد و پول سرشاری نصیب امام اسماعیلی گشت (عابدی، ۱۳۹۳: ۳۲ - ۳۳).

تخفیف در زمینه پرداخت های مالیاتی به دولت صفویه نیز از سیاست های اقتصادی امامان بود. آنان با نزدیک ساختن خود به خاندان صفوی اسباب چنین امتیازاتی را فراهم می ساختند.

از جمله بنا بر حکم شاه عباس اول صفوی، حکومت آنجدان به شاه خلیل اول امام اسماعیلی واگذار شد و چون مردم آنجدان را جزء شیعیان قم قرار دادند؛ دستور کاهش یک دوازدهم از مالیات های آنان بعلاوه حکم واگذاری چند چشمه از دارایی های شاهی به امام اسماعیلی صادر شد (دفتری، ۱۳۸۶: ۵۵۲).

نتیجه گیری

حضور امامان اسماعیلی در آنجدان آغاز دوره جدیدی در تاریخ آنان محسوب می گردد. آنجدان ناحیه بسیار مناسبی برای آنان محسوب می شد و جغرافیای آن اندکی یادآور عصر الموت و قلعه افسانه ای آنان بود. مهم ترین دلایل این انتخاب علاوه بر جغرافیای خاص آن عبارت بود از:

الف) دوری آنجا از مراکز سیاسی آن زمان که عمدتاً در نواحی غربی و آذربایجان تمرکز یافته بودند. در توضیح آنکه یکی از مهم ترین مراکز فعالیت مغولان و ترکمانان و حتی صفویان در آغاز شکل گیری این سلسله آذربایجان و شما غرب ایران بود و آنجدان از این نواحی دور و حساسیت حاکمان نسبت بدانجا کمتر بود.

ب) رهایی از غارتگری ها و ترکتازی های عناصر نظامی و جنگجویان ترکمان که مشخصه اصلی تاریخ ایران در این عصر بود و آنجدان از این جهت در موقعیتی قرار داشت که کمتر در معرض تهدید قرار داشت.

ج) نزدیکی به شهر های شیعه نشین قم و کاشان که از گذشته های دور پایگاه شیعه در فلات ایران بودند.

امامان اسماعیلی در حدود سال ۹۰۰ق. به سوی آنجدان رفتند اما احتمالاً از چندی پیشتر با این ناحیه آشنائی داشتند چرا که شمس الدین زردوز اولین امام آنان بعد از الموت تصمیم داشت پایگاه را به این آنجدان منتقل سازد اما اسباب آن فراهم نگشت. آنان در حالی از ستر

کامل و تقیه مذهبی به آنجندان رفتند؛ در شرایطی که نقشی در تحولات تاریخ ایران نداشتند. اما دوره آنجندان موجب شد تا اسماعیلیان بخشی از جایگاه تاریخی خود در تاریخ ایران را احیا نمایند. نزدیکی به خاندان صفوی خصوصاً در پی ازدواج های سیاسی با این دودمان موجب رشد چشمگیر نقش امامان اسماعیلی در تحولات ایران شد. به طوری که در دوره پایانی این سلسله امام اسماعیلی توانست به حکومت ایالت کرمان دست یابد و این بهبود شرایط سیاسی، همچنان در دوره افشاریه، زندیه و قاجارها ادامه یافت و امامان اسماعیلی با اندکی فراز و فرود توانستند حکومت کرمان را برای خود حفظ نمایند. با این حال توطئه های درباری و افزایش شناخت مذهبی مردم در عصر قاجار هر چه بیشتر عرصه را بر اسماعیلیان و امام آنان تنگ ساخت تا اینکه حسنعلی شاه مشهور به آقاخان در اواسط دوره قاجار برای همیشه مجبور به ترک ایران شد و به سوی بمبئی هند مهاجرت نمود.

فعالیت در عرصه فرهنگی نیز از دیگر وجوه تاریخ اسماعیلیان در عصر آنجندان بود. اسماعیلیان در هیچ دوره ای از تاریخ خود فعالیت های فرهنگی را نادیده نمی گرفتند. نزدیک ساختن خود به جریان های صوفیانه مانند فتیان و دراویش نعمت الهی، ساخت حوزه علمیه و مقابر متبرکه و همچنین پناه دادن به ملاصدرا دانشمند مشهور عصر صفوی از مهم ترین رخدادهای فرهنگی عصر آنجندان بود.

منابع و مأخذ

- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵). *تاریخ ابن خلدون*، ج ۴، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الگار، حامد (۱۳۷۰)، *شورش آقاخان محلاتی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.
- ایوانف (۱۹۳۸)، *اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- براون، ادوارد (۱۳۶۷)، *تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی*، ترجمه فتح الله مجتبیایی و غلامحسین صدری افشار، ج ۲، تهران: مروارید.
- بناکتی، داوود بن تاج الدین (۱۳۴۸)، *تاریخ بناکتی*، جعفرشعار، تهران: نشر انجمن آثار ملی.

- بیات، عزیزالله (۱۳۸۴)، *تاریخ تطبیقی ایران با کشورهای جهان از ماد تا انقراض سلسله پهلوی*، تهران: امیرکبیر.
- پری، جان (۱۳۶۸)، *کریمخان زند*، ترجمه محمد سالکی، تهران: انتشارات نشر نو.
- تارمی، میثم (۱۳۸۱)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه آقاخانیه*، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۷۰)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، مصحح محمد قزوینی، تهران: انتشارات ارغوان.
- حبیبی، عبدالحی (۱۳۸۰)، *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*، تهران: افسون.
- خضری، احمدرضا (۱۳۹۱)، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران: سمت.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: فروزان.
- _____ (۱۳۸۲)، *تاریخ و اندیشه های اسماعیلی در سده های میانه*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۴۵)، *کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک*، اراک: نشر موسوی.
- رضایی، جمال (۱۳۸۴)، *بیرجند نامه، بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی*، تهران: انتشارات هیرمند.
- رضایی مقدم، شهرزاد (بی تا)، *انجدان و اسماعیلیه*، مجموعه نوشته ها و مقالات مزدک نامه، ج ۶، تهران: نشر مزدک نامه.
- شاه حسینی، سید شهاب الدین (۱۳۴۱)، *خطابات عالیّه در مسائل اخلاقی و عقاید اسماعیلیه*، مترجم هوشنگ اجاقی، تهران: بی نا.
- شهرستانی، ابوالفتح بن کریم (۱۳۵۸)، *الملل والنحل*، ترجمه مصطفی خالد هاشمی و احمدرضا جلالی نایینی، تهران: نشر افق.
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر (بی تا)، *بستان السیاحه*، تهران: نشر سنایی.
- صابری، سید حسین (۱۳۸۸)، *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: نشر سمت.
- عابدی، سعیده (۱۳۹۳)، *تاریخ محلی انجدان*، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- غالب، مصطفی (۱۹۶۴)، *اعلام اسماعیلیه*، بی جا: بی نا.
- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۵)، *تاریخ اسماعیلیان قهستان*، تهران: نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قهستانی، ابواسحاق (۱۳۳۶)، *هفت باب ابواسحاق*، ایوانف، تهران: چاپخانه حیدری.

- معزی، مریم (۱۳۷۲)، *اسماعیلیان ایران از سقوط الموت تا امروز با تکیه بر دوره معاصر*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مستوفی، حمد الله (۱۳۶۲)، *تاریخ گزیده*، عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق (۱۳۱۷)، *تاریخ گیتی گشا*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال.
- نویختی، حسن بن موسی (۱۳۵۳)، *فرق الشیعه*، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وزیری، احمد علی خان (۱۳۶۵)، *تاریخ کرمان*. به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.
- هدایت، رضاقلی (۱۳۴۴)، *تذکره ریاض العارفین*، تهران: نشر محمودی.
- همدانی، رشیدالدین (۱۳۶۱)، *جامع التواریخ*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرس زنجانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

